

نقش اخبار غیبی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی از منظر قرآن (با)

تأکید بر سیره حضرت یوسف (ع))

حمید رضا طوسی* حسین زاهدی*

چکیده

امروزه حضور فعال در آینده و دست‌یابی به اهداف بلندمدت در فضای رقابتی از طریق برنامه‌ریزی استراتژیک انجام می‌گردد که آینده‌نگری و پیش‌بینی آینده در تمام مراحل برنامه‌ریزی راهبردی به‌ویژه در مرحله تعیین رسالت و اهداف امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، با توجه به اینکه از نظر دانشی ساختن آینده بر روش‌ها و تکنیک‌هایی استوار است که نهایتاً نشان‌دهنده آینده (ممکن) و (احتمالی) بوده، لذا برنامه‌ریزی راهبردی را بر بستر فاقد قطعیت بناکرده است، این در حالی است که پیش‌بینی قطعی آینده از طریق اخبار غیبی در قرآن کریم به‌ویژه در سیره حضرت یوسف (ع) به‌عنوان یک راهکار اساسی بستر مناسبی را برای برنامه‌ریزی راهبردی فراهم کرده است، از این رو توجه به نقش اخبار غیبی که از طریق وحی، رؤیا، تعبیر خواب و برهان برای آن حضرت بیان‌شده، ضرورت دارد که در این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی و استنتاجی باهدف مقایسه میان برخی گزاره‌های دانشی و قرآنی مسئله یاد شده مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. توجه به فرهنگ به‌عنوان بستر سایر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ۲. برجستگی علم غیب، اخبار غیبی، رؤیای صادق و الهام برای پیش‌بینی آینده در تمام مراحل برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی حضرت یوسف (ع) ۳. ابتدای برنامه‌های راهبردی بر بستر قطعی به‌دوراز هرگونه آزمون و خطا.

* عضو هیئت علمی گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمیه: hertoosi123@gmail.com

* دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه (ص) مجتمع آموزش عالی قرآن و

حدیث: gagarh1307@gmail.com

واژگان کلیدی: قرآن، اخبار غیبی، برنامه‌ریزی، راهبرد، حضرت یوسف (ع) و فرهنگ.

مقدمه

امروزه دستیابی به آینده مطلوب و اهداف مورد نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در فضای رقابتی، بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) انجام می‌گیرد که رصد آینده، تعریف رسالت و چشم‌انداز برای آینده درگرو دقت در آینده‌نگری، آینده‌پژوهی و ترسیم زمان تحقق اهداف بلندمدت به شمار می‌رود و در برنامه‌های بلندمدت بدون پیش‌بینی آینده تصمیم‌گیری برای آینده و حرکت در آینده ناممکن دانسته شده است (منتزبرگ، ۱۹۹۹: ۴۰) توجه به اصول و روش‌شناسی آینده‌نگری سنگ بنای برنامه‌ریزی راهبردی به شمار می‌رود، از نظر دانشی هیچ قطعیتی نسبت به آینده وجود ندارد، نگرش به آینده صرفاً مبتنی بر پیش‌بینی، حدس و گمان استوار است، برای همین از نظر دانشی تعبیرهای آینده (ممکن)، (محتمل) و آینده‌های (باورکردنی) بکار گرفته شده است (توز، ۱۹۹۲: ۱۸) این در حالی است که با توجه به خبرهای غیبی قرآن کریم از گذشته و آینده که دارای جزمیت و قطعیت بوده و یکی از جنبه‌های اعجاز علمی قرآن به شمار می‌رود، آینده‌نگری در برنامه‌ریزی استراتژیک پیامبران الهی بر مبنای علمی و اطمینان آور بوده از این رو می‌توان برنامه‌های بلندمدت در قرآن بر مبنای آینده‌نگری قطعی تحلیل کرد.

توجه به برنامه‌ریزی راهبردی بنیادی یعنی مبنا بودن فرهنگ برای سایر برنامه‌های راهبردی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در قرآن کریم به‌ویژه در رسالت فرهنگی حضرت یوسف (ع) حکایت از روشمندی برنامه‌ریزی استراتژیک و پیروی از اصول و پیش‌فرض‌های مسلمی دارد که بر مبنای مستحکمی بنا شده است، بدون شک پیش‌بینی آینده از طریق علم غیب، برهان، اخبار غیبی (رؤیا) و خبرهای غیبی از طریق خواب

دیگران و علم تعبیر که برای آن حضرت بازگو می‌شده است را می‌توان به‌عنوان بستر اساسی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی ایشان شمرد، مبنا بودن برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی حضرت یوسف (ع) را نسبت به برنامه‌های راهبردی دیگر نیز از همین زاویه تبیین کرد. توجه به بسترها، پیش‌زمینه‌ها و موضوعات اساسی چون فرهنگ در برنامه‌ریزی استراتژیک برای پرهیز از برنامه‌ریزی‌های راهبردی موازی و برای دستیابی به گام‌های اساسی نشان‌دهنده سیطره کامل و شناخت دقیق محیطی و آینده‌نگری بر مبنای علمی و اخبار غیبی است که این نوشتار درصدد تبیین آن می‌باشد.

مفهوم شناسی

اخبار غیبی (انباء الغیب)

انباء غیبی در لغت: انباء مهموز و جمع نبأ (فیومی، بی‌تا: ۲ / ۵۹۱) اهل لغت آن را به دو معنا بکار برده‌اند؛ عده‌ای از لغویان آن را به معنای مطلق خبر (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۶۲). وعده‌ای دیگر آن را به معنای خبری که دارای فایده بزرگ که به علم و ظن غالب منتهی گردد دانسته‌اند، چنانکه راغب می‌گوید: به خبر نبأ نگویند مگر آنکه این سه امر را داشته باشد و خبری که آن را نبأ گویند حقش آن است که از کذب عاری باشد مثل خبر متواتر و خبر خدا و رسول (راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۸۸). اصل در ماده به معنای نقل حدیث و شیء از جایی به جای دیگر است، (انباء) اطلاع نافذ و علم دقیق همراه با تحقیق است که به مطلق خبر اطلاق نمی‌شود. (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۳ / ۱۲).

غیب به اخبار پنهان و نیز هر آنچه از چشم مخفی است گفته می‌شود، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۶۶۵). غیب مصدر (غاب)، در مورد آنچه از چشم مستور و هر آنچه از حواس و از علم انسان غائب باشد گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۱۶۶).

انباء الغیب در اصطلاح: مفسرین نیز همان دو معنای لغوی را ذکر کرده‌اند، یعنی انباء غیب را یا به معنای مطلق اخباری که انسان بدان علم ندارد، (سبزواری، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۳۳) یا انباء آن را اخص از نبأ به معنای اخباری که دارای فایده، بااهمیت و اخبار بزرگ گرفته‌اند، (سبزواری، ۱۴۰۹: ۵/ ۲۸۳). عده‌ای از مفسرین نیز در معنای انباء الغیب به ذکر مصادیق اخبار غیبی در قرآن پرداخته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳/ ۳۹۰). اخبار غیبی در عرف قرآنی به اخبار خاصی گفته می‌شود که در قرآن کریم نسبت به سرگذشت انبیا و امت‌های گذشته و حوادث و رخ داده‌ای آینده خبر داده‌شده و دارای جزمیت و قطعیت‌اند، پس به هر خبری که متصف به کذب و صدق است نمی‌تواند اخبار غیبی مصطلح قرآنی باشد.

آینده‌پژوهی و آینده‌نگری

آینده‌پژوهی فرایند روشمند، مشارکتی و گردآورنده هوشمندی آینده است که چشم‌اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را باهدف اتخاذ تصمیمات روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد (مبینی دهکردی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). آینده‌پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به‌گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه و با مشخصه‌های همچون تمرکز روی موضوعات بلندمدت، متعهد به نتایج و نظام‌مند بودن است (قدیری، ۱۳۸۴). دانش و معرفتی است که چشم همگان را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده باز و ابهامات، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده را کاهش، توانایی انتخابات هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می‌دهد و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند به کجا می‌توانند بروند و به کجاها باید بروند و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند. (مبینی دهکردی، ۱۳۹۳: ۲۳۳).

برنامه‌ریزی راهبردی

اساساً برنامه‌ریزی‌های راهبردی تلاش نظام‌مند، به‌منظور اخذ تصمیمات و انجام فعالیت‌هایی بنیادی است که به شکل‌دهی ماهیت و چگونگی و چرایی اقدامات می‌پردازد

که در نهایت بررسی دقیق راهکارهای مختلف برای دستیابی به اهداف و نتایج آتی تصمیمات کنونی است. (لطیفی، ۱۳۹۵: ۳۲). راهبرد بر اساس کاربردهایی مختلف، می‌تواند توصیف‌های متعددی داشته باشد همان‌گونه که هنری منتزبرگ پنج توصیف را برای راهبرد تحت عنوان پنج p که مشتمل: برنامه، موضع، الگوی رفتاری، دورنما، است، مطرح نموده است. راهبرد در مفهوم برنامه راهبرد در مفهوم ترفند: راهبرد به مفهوم الگو راهبرد به مفهوم موضع راهبرد به مفهوم چشم‌انداز: (میتزبرگ و دیگران، ۱۹۹۹: ۱۵).

فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی قبل و بعد از اسلام، در مفاهیم مختلفی بکار رفته است، در لغت عرب فرهنگ با کلمه (الثقافة) یاد می‌گردد و به معنای پیروزی، تیزهوشی و مهارت بوده و سپس به معنای استعداد فراگیری علوم و صنایع و ادبیات به کار رفته است. (رضایی، زهره‌ای، ۱۳۹۰: ۵۵). در زبان انگلیسی واژه‌ای (کلتور) به معنای فرهنگ به کار می‌رود. (موسایی، ۱۳۹۰: ۲۹).

در مورد فرهنگ نمی‌توان به یک تعریف که مورد اجماع همگان باشد دست یافت هر علمی می‌تواند فرهنگ را از زاویه دید خود تعریف نماید، از این رو تعاریف متعددی در مورد فرهنگ صورت گرفته است که متناسب با این نوشتار صرفاً به یک تعریف و تعریف اسلامی آن اشاره می‌گردد و آن اینکه «فرهنگ به ویژگی‌های تمدن، جامعه یا گروهی خاص اشاره دارد که این ویژگی‌ها، بر مشخصه‌های متمایزکننده آن‌ها و مقتضیات اجتماعی استواری است که رفتار آن‌ها را ایجاد و حفظ می‌کند». (دونالداف، ۱۳۷۷: ۳۶). بر اساس دیدگاه اسلامی فرهنگ را می‌توان نگرشی دانست که بر اساس اعتقادات و باورهای اسلامی و با توجه به دید کلی اسلام نسبت به انسان، مبدأ، معاد و ارزش‌های

اسلامی برای مسلمانان دانست یعنی فرهنگ اسلامی به معنای مجموعه بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی است که با توجه به شرایط موجود در جامعه همچون روحی در کالبد آن جامعه جریان دارد و به اعمال و رفتار افراد معنی می‌بخشد، در این صورت هسته مرکزی فرهنگ اسلامی را همان توحید و ایمان به خدا تشکیل می‌دهد که اساس و شالوده دین اسلام است که با سایر اعتقادات اسلامی زنجیره‌ای از عادات و آداب را پدید می‌آورد (بالادستان، ۱۳۸۰: ۵۴).

نقش آینده‌نگری در دانش برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی راهبردی که نوع خاصی از برنامه‌ریزی در فضای رقابتی برای دستیابی به آینده مطلوب در بازه زمانی طولانی مدت است، پیش‌بینی آینده در آن حیاتی و حائز اهمیت بوده اندیشمندان مدیریت راهبردی بر آن تأکید می‌ورزند: با توجه به شرایط متحول و پیچیده زندگی بشر امروز در و محیط‌های سازمانی، ملی، و جهانی کسانی می‌توانند پایداری و تداوم داشته باشند که بتوانند آینده خویش را بشناسند، در این صورت لازم است تصویر مناسب را طراحی و برای جلوگیری از نوسانات شدید، مسیر حرکت روبه‌جلو خویش را به سمت آینده‌ای که مدنظر دارند سوق دهند (بارکر، ۱۳۸۰: ص ۲۱).

آینده‌پژوهی در مدیریت استراتژیک، مدیریت بحران و اصل اساسی در تفکر استراتژیک و اندیشیدن به آینده است؛ این به معنای اهمیت دادن ویژه به آینده است، شروعش از اینجا است که چه اتفاقی ممکن است در آینده بیافتد و آن را به‌خوبی تصور کرد سپس برای واکنش در برابر آن برنامه‌ریزی کرد (آلتیگ، ۲۴، ۲۰۱۱: ۶۱-۷۱).

پیش‌بینی آینده و آینده‌نگری در برنامه‌ریزی راهبردی دارای نقش تعیین‌کننده است؛ چون سه مرحله اساسی از برنامه‌ریزی راهبردی یعنی تعیین رسالت سازمان، بیانیه چشم‌انداز و تعیین اهداف بلندمدت بدون پیش‌بینی آینده امکان‌پذیر نیستند؛ اینکه

برنامه‌ریزی راهبردی چه رسالتی را تعقیب می‌کند بدون پیش‌بینی آینده و ترسیم دور نمایی روشن شفاف از آینده، امکان ندارد؛ زیرا رسالت نامه سازمان که بیان‌کننده سه موضوع مهم ذیل‌اند: ۱. سازمان در چه زمینه‌ای فعالیت خواهد کرد؟ ۲. ارباب‌رجوع یا مشتریان چه کسانی خواهند بود؟ ۳. چه نوع خدمت یا محصولی را ارائه خواهند داد؟ (رضائیان، ۱۳۷۹: ۲۴۴)، متناسب با هرکدام از این موضوعات رصد آینده ضرورت دارد، همین‌طور در بیانیه مأموریت و چشم‌انداز برنامه‌ریزی راهبردی آنچه در درازمدت بناست بدان دست یابد نیز بدون آینده‌نگری امکان‌پذیر نیست، چشم‌انداز جامع و روشن می‌تواند مبنای بیانیه مأموریت باشد که مبتنی بر پیش‌بینی آینده باشد و نیز آینده‌نگری در تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت که از تحلیل محیطی به دست می‌آید حائز اهمیت است همان‌گونه که (فرد آر دیوید) در منابع اطلاعات خارجی برنامه‌ریزی استراتژیک به ابزارها و فن‌های پیش‌بینی پرداخته می‌گوید: پیش‌بینی‌ها فرضیات معقولی درباره روندهای آینده هستند، پیش‌بینی به دلیل وجود عواملی نظیر نوآوری فناورانه، تغییرات فرهنگی، محصولات جدید خدمات بهتر، رقبای قوی‌تر، تغییر در اولویت‌های دولت، تغییر در ارزش‌های اجتماعی، شرایط ناپایدار اقتصادی و رویدادهای پیش‌بینی‌نشده فعالیت پیچیده‌ای است... مسئله این نیست که آیا باید پیش‌بینی کنیم یا نه، بلکه برعکس این است که چگونه می‌توانیم به بهترین پیش‌بینی‌ها دست‌یابیم تا ما را قادر سازد فراتر از فرضیات تبیین شده معمولی مان در آینده حرکت کنیم. آیا می‌توانیم به اطلاعاتی دست‌یابیم و سپس بر اساس آن‌ها به فرضیات معقول‌تری (پیش‌بینی‌هایی) برسیم که راهنمای تصمیم‌گیری‌های ما در جهت دستیابی به وضعیت آتی مطلوب‌تر باشد؟ ما باید با چشمان و مغزی باز وارد آینده شویم تا با چشمانی بسته و به‌طور اتفاقی (فرد. آر دیوید، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۳) وارد آینده نشویم.

اخبار غیبی از آینده در سیره حضرت یوسف (ع)

بر اساس آیات قرآن کریم ماهیت رسالت انبیایی الهی فرهنگی است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵)، همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند... نوع برنامه‌ریزی فرهنگی زمان‌بر و نیازمند به برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، بخصوص برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی که بستری برای برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود، در یک فضای رقابتی نیازمند رصد دقیق آینده است.

در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی انبیای الهی بخش قابل توجهی از ترسیم رسالت فرهنگی تا ترسیم اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت درگرو اخبار غیبی و ارتباط و حیانی انبیا است، وجود فرهنگ باور به جزمیت اخبار آینده و حیانی همان دستیابی به وحدت جهت است که اندیشمندان مدیریت از آن به‌عنوان منافع استراتژیک است حاصل از فرهنگ قوی یادکرده و منافع ذیل را مترتب بر آن شمرده‌اند:

۱- وجود ارزش‌های قوی به شکل‌گیری هویت نهادی کمک می‌کند و به سازمان نوعی شخصیت می‌دهد.

۱۳۷ ۲- ارزش‌های مشترک به هدایت رفتار اعضای سازمان و معنی‌دار شدن آن کمک می‌کند. (رضائیان، ۱۳۷۹: ۲۴۶). چنانکه در سوره فتح خیر غیبی که به مسلمانان داده است چشم‌اندازی روشنی از آینده است که پیامبر اسلام رسالت فرهنگی‌شان را بر محور آن تنظیم کرده در صلح حدیبیه مسلمانان را بدون انجام حج به مدینه برگرداند، آنچه مشقت‌های سفر را بر مسلمانان آسان کرد و در عین شوق و اشتیاق به زیارت‌خانه خدا، مسلمانان بدون زیارت بیت‌الله، مکه را ترک کردن خبر غیبی بود که آینده روشن را برای

مسلمین نوید می‌داد: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح/۱). به تعبیر علامه طباطبائی: تمامی پیشرفت‌هایی که در این سوره اشاره‌ای به آن‌ها دارد... مدح مؤمنین، خشنودی‌اش از بیعت ایشان، و وعده جمیلی که به ایشان داده که در دنیا به غنیمت‌های دنیایی و در آخرت به بهشت می‌رساند، و مذمت عرب‌های متخلف و مذمت مشرکین در اینکه سد راه رسول خدا و همراهیان آن جناب از داخل شدن به مکه شدند، و مذمت منافقین و تصدیق خدا رؤیای رسول گرامی‌اش را... پس این حوادث فتحی نزدیک قرار دارد. (طباطبائی، ۱۴۱۷/۱: ۲۵۳).

اخبار غیبی از طریق وحی، الهام و خواب نقشی مهمی در ترسیم رسالت و برنامه‌های انبیاپی الهی داشته است، در سیره حضرت یوسف (ع) اخبار غیبی بیشتر از طریق خواب و رؤیاهای صادقه به این پیامبر الهی رسیده است که به نمونه‌های اخبار غیبی که قرآن کریم از سیره حضرت یوسف (ع) گزارش داده است اشاره می‌شود:

۱- خیر غیبی دور نمای از نقشه راه: مهم‌ترین خبر غیبی در خواب به حضرت یوسف (ع) داده شده است این آیه شریفه است: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (یوسف/۴)، آن زمان که یوسف پدرش مخاطب قرارداد گفت ای پدر در عالم خواب یازده ستاره، خورشید و ماه را دیدم درحالی که من را سجده می‌کردند این خواب که محتوایش نوید به آینده روشن برای حضرت یوسف (ع) است نقطه عطفی در زندگی حضرت یوسف به شمار می‌رود، چنانکه علامه طباطبائی می‌فرماید: خداوند در آغاز مسیر برای تربیت آن حضرت، رؤیایی را به او نشان داد و در آغاز داستان نیز از آن رؤیا خبر داده است، برای اینکه از همان ابتدا دورنمایی از آینده روشن و اعطای ولایت الهی را که خداوند مخصوص او کرده، به وی نشان داده باشد، تا در طول زندگی و تحولاتی که می‌بیند بشارتی برای او بوده، همواره

مدنظرش قرار بگیرد و در نهایت مصیبت‌هایی و شدایدی که با آن‌ها روبرو می‌گردد به یاد آن دورنما آرام بگیرد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۷۸/۱۱). این خواب برای حضرت یوسف (ع) دور نمایی را ترسیم می‌کرد که حضرت یعقوب (ع) در سیمای او شخص عظیم را از نظر مکان و منزلت مشاهده کرد، آن قدر نسبت به خانواده نبوت برتری داشت که باید در برابر او مانند پادشاهان بزرگ سر به سجده و تعظیم فرود آورده شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱۴/۱۲) یعقوب با احساس و بصیرتش به خوبی درک کرده بود که در پشت این خواب برای این پسر بی‌چشمه جایگاه بزرگی است (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۱۹۷۱). به طور مسلم این خواب خبر غیبی بود که آینده حضرت یوسف (ع) را ترسیم می‌کرده، به جهت وضوح و قابل فهم بودن آن برای دیگران، حضرت یعقوب فرزندش را از بازگویی خواب برای برادران نهی کرد.

۲- خبر غیبی از انتخاب برای رسالت و نبوت: خبر غیبی دیگری که واضح تر از خواب و در امتداد تعبیر خواب توسط آن حضرت دریافت شد، خبر از انتخاب وی برای رسالت و نبوت است «وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَيْكَ وَ يَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ...» (یوسف/۶). تمام مفسرین مراد از (یجتیبیک) را خبر از انتخاب آن حضرت برای نبوت دانسته‌اند. (ابن حاتم، ۱۴۱۹: ۴ / ۳۱۸).

۱۳۹ ۳- خبری غیبی از اعطای تعبیر رؤیا: از اخبار غیبی دیگر در امتداد تعبیر خواب آن حضرت دریافت کردن، خبر علم تعبیر خواب است «يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ...» علم به تأویل به آنچه در عالم وجود است (آنچه را تأویل نماید همان شود)، تأویل صواب و صادق بودن اخبار را خدای متعال به یوسف (ع) تعلیم کرد. (زحلی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۰۹۳). در سوره یوسف در سه جا در آیات (۶، ۲۱، ۱۰۱) «تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» ذکر شده است. غالب مفسرین از آن به آنچه مردم در خوابشان می‌دیدن تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۹۲).

برخی از مفسرین ذیل (تأویل احادیث) سه قول را بیان کرده‌اند یک) از ابن عباس، مجاهد و قتاده مراد از تأویل را بیان تعبیر خواب؛ دو) از ابن زید تأویل احادیث را به علم و حکمت؛ سه) از زجاج آن‌ها به تأویل احادیث انبیاء، امت‌ها و کتاب، تفسیر کرده‌اند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۱۴/۲). با توجه به سیاق آیات این سوره و استفاده حضرت یوسف از علم تعبیر خواب، مراد از تأویل احادیث همان تعبیر خواب باشد که هم به‌عنوان یکی از معجزات این پیامبر عظیم‌الشأن در برابر مخالفین مطرح شده است و هم از این طریق آن حضرت به اخبار غیبی دست میافته است.

۴- اخبار غیبی از علم شهود (برهان پروردگار): یکی از اخبار غیبی تحت عنوان (برهان پروردگار) یاد شده است که خداوند در این سوره از آن سخن گفته: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» (یوسف/۲۴)، آن زن که بازهم برای وصال او اصرار و اهتمام می‌ورزید، اگر لطف خاص خداوند و برهان روشن حق را یوسف (ع) ندیده بود طبق میل طبیعی به خواست آن زن پاسخ می‌داد، ولی ما عمل زشت و قصد بد را از ایشان دور کردیم به جهت اینکه او از بندگان برگزیده‌ای ما بود. به تعبیر بعضی از مفسرین: یقیناً خداوند برهانی را که به بندگان مخلصش نشان می‌دهد به حضرت یوسف نشان داد، آن برهان نوعی از علم اثبات‌شده و یقین مشهود بوده که با دیدن آن نفس انسان چنان منقاد و تسلیم می‌گردد که دیگر هیچ میل و کششی به سمت گناه ندارد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۷۴/۱۱). هرچند که (برهان) علم مشهود بوده است ولی بر اساس گزارش قرآنی از آن می‌توان به‌عنوان خبر غیبی یاد کرد.

۵- اخبار غیبی از طریق تعبیر خواب: از راه‌های مهم برای پیش‌بینی آینده اخباری است که از طریق تعبیر خواب در اختیار حضرت یوسف (ع) قرار می‌گرفته است، به‌صورت مشخص در سوره یوسف دو خبر غیبی از طریق تعبیر خواب گزارش شده

است: ۱. تعبیر خواب دو جوان زندانی: یوسف در پاسخ آن‌ها گفت: قبل از آنکه طعام برسد و تناول کنید شمارا از تعبیر خوابتان باخبر می‌کنم، این علم از اموری است که خدایم برایم آموخته است (یوسف/۳۷). تعبیر خواب آن دو جوان به‌عنوان خبر غیبی از آینده توسط آن حضرت بیان و اتفاق افتاد، چنانکه برخی از مفسرین گفته‌اند: ذَلِكُمَا اِشَارَةٌ بِتَعْبِيرِ اُنْ خَوَابِ اِسْتِ، اِیْنِ تَعْبِیْرِ وَ خَبْرِیْ كِهْ اَزْ اَیْنِدِهْ خَبْرِ دَادِمِ «مِمَّا عَلَّمَنِ رَبِّي» اَزْ عِلْمِیْ اِسْتِ كِهْ پُروردگارم از راه وحی به من تعلیم کرده. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳/۲۰۹). ۲. تعبیر خواب عزیز مصر: «ای که هر چه می‌گویی همه راست است، ما را به تعبیر این خواب که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر خوردند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه دیگر که خشکیده‌اند، آگاه کن که نزد مردم بازگردم و آنان بدانند» (یوسف/۴۶). «گفت باید هفت سال پشت سرهم (گندم) بکارید و هر آنچه را که درو کردید غیر از مقداری کمی که مصرف می‌کنید، بیشتر آن را با خوشه ذخیره کنید. وقتی این هفت سال سپری شود، در مدت هفت سال قحطی تمام این ذخیره را به‌جز کمی (به‌عنوان بذر) مصرف می‌کنید. بعد از سال‌های قحطی و شدت گرسنگی بازهم سالی آسایش، وسعت و فراوانی از راه می‌رسد». (یوسف/۴۷، ۴۸). حضرت یوسف در تعبیر خود از خواب‌های عزیز مصر، ماده‌گاوهای چاق و خوشه‌های سبز را، به مهروموم‌های فراوانی، و گاوهای لاغر و خوشه‌های خشک را به مهروموم‌های قحطی و خشک‌سالی تعبیر کرد، و پس از تعبیر به آنان این بشارت را که سال هشتم بابرکت و فراوانی و بسیاری نعمت است را داد، یوسف آنچه را بیان کرد بر اساس علمی بود که از ناحیه خداوند به او وحی شده بود. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳/۲۱۶).

عیب‌های اساسی برنامه‌ریزی راهبردی دانشی

هرچند برنامه‌ریزی راهبردی با شاخصه‌ای برنامه‌ریزی بلندمدت در فضای رقابتی نزدیک به یک سده در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی تبدیل به دانشی شده است، این بدین معنا نیست که این دانش در صدسال اخیر متولد شده است، بر اساس گزارش‌ها قرآنی از راه و روش زندگی انبیای الهی، می‌توان نسخه پیشرفته‌تر از برنامه‌ریزی راهبردی را در سیره پیامبران مورد توجه قرارداد که نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی دارای امتیازاتی که ذیلاً به دو امتیاز اساسی اشاره می‌شود:

یک) در برنامه‌ریزی راهبردی دانشی برای هر کدام از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظام و اجتماعی به صورت جداگانه برنامه‌ریزی راهبردی صورت می‌گیرد، در حالی که در برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران تمام برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی روی یک بستر اساسی یعنی برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی توحیدی بنا شده است، این به معنای قاعده‌مندی برنامه‌ریزی راهبردی و تبعیت از یک پیوستار در برنامه‌ریزی راهبردی قرآنی است.

دو) با وجود اینکه از نظر دانشی برنامه‌ریزی راهبردی مرزبندی شده، دارای مراحل مشخص و گام‌هایی اساسی مانند تعیین رسالت سازمان، تعیین اهداف خرد و کلان، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها و تعیین استراتژی است، اما سؤال اساسی که به عنوان حلقه مفقوده از نظر دانشی بدون پاسخ می‌ماند این است که با توجه به شاخصه بلندمدت بودن و تعیین رسالت و اهداف سازمان، شناخت آینده در برنامه‌ریزی راهبردی اساسی‌ترین فاکتور به شمار می‌رود، چنانکه (فرد. آر دیوید) در کتاب مدیریت استراتژیکش می‌گوید: اثربخشی فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی مهم تنها به کمک پیش‌بینی‌های خوب میسر است، (فرد. آر، ۱۳۹۳: ۱۷۳). حال سؤال این است که چه معیاری روشمندی برای

پیش‌بینی و شناخت آینده وجود دارد تا برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس آن بنا گردد؟ پاسخ دانش به این سؤال این است ابزارهای پیش‌بینی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: تکنیک‌های کمی و تکنیک‌های کیفی، پیش‌بینی‌های کمی هنگامی از همه مناسب‌ترند که داده‌های سالیان متمادی وجود داشته باشد و نیز هنگامی که تصور بر آن باشد که روابط میان متغیرهای اصلی در آینده نیز همان‌گونه که در گذشته بود، ادامه خواهد یافت. برای مثال رگرسیون خطی بر این فرض استوار است که آینده عیناً مانند گذشته خواهد بود - که البته هرگز چنین نیست. هرچه روابط تاریخی ثبات کمتری داشته باشند، پیش‌بینی‌های کمی نیز از دقت کم‌تری برخوردار خواهند بود. هیچ‌گونه پیش‌بینی کامل نیست و اغلب پیش‌بینی‌ها حتی به شدت غیردقیق‌اند. (همان) با توجه به دو کاستی اساسی و کاستی‌های دیگری که در برنامه‌ریزی دانشی وجود دارد می‌توان برنامه‌ریزی راهبردی انبیاپی الهی را هم از نظر قدمت زمانی دارای سابقه طولانی به قدمت حیات بشری و هم قاعده‌مند و دارای بستر اساسی دانست که از معایب برنامه‌ریزی دانشی مبرا است.

بهره‌گیری حضرت یوسف از اخبار غیبی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی

از شاهکارهای قرآن کریم در برنامه‌ریزی راهبردی سوره مبارکه یوسف (ع) است که شاخصه‌های مانند تعیین رسالت و ترویج یکتاپرستی، برنامه‌ریزی بلندمدت در فضای رقابتی آیین توحیدی و بت‌پرستی، اهداف خرد مانند فرهنگ‌سازی صداقت، امانت‌داری، عدالت اجتماعی و... در راستای دستیابی به هدف کلان و ترویج فرهنگ توحیدی و تبدیل تهدیدهای مانند خیانت و زندان را به فرصت‌های پرورش نیروی انسانی، آزادی و عزیزی مصر، بر اساس پیش‌بینی آینده از طریق اخبار غیبی کرده است.

ترسیم دور نمای رسالت فرهنگی بر اساس خبر غیبی

همان‌گونه که در برنامه‌ریزی راهبردی گفته شده است: مأموریت یک سازمان، نشان‌دهنده‌ای علت یا فلسفه‌ی وجودی و رسالت آن سازمان بوده و بیانگر هویت سازمان است. (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۹)، بر اساس آیه ۴ این سوره، در ابتدای مسیر حضرت یوسف (ع) خوابی را می‌بیند که در آن خواب به تعبیر مفسرین: از همان ابتدای تربیت دورنمایی از آینده روشن و اعطای ولایت الهی را که خداوند مخصوص او کرده بود، به وی نشان داد، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۷/۱۱)، خبر غیبی که از طریق خواب به یوسف رسید، چشم‌انداز رسالت آینده را برای آن حضرت و دور نمای از بزرگی، سروری و هدایت گمشدگان را به وضوح بیان می‌کرد، این خبر غیبی بود که مشکلات و ناملایمات را در برای این کودک هموار کرد و او را در برابر سختی‌های متعدد مقاوم و استوار گردانید، همان‌طور بعضی از مفسرین بدان اشاره کرده‌اند: از همان ابتدا دورنمایی از آینده روشن و اعطای ولایت الهی را که خداوند مخصوص او کرده، به وی نشان داده باشد، تا در طول زندگی و تحولاتی که می‌بیند بشارتی برای او بوده، همواره مدنظرش قرار بگیرد و در نهایت مصیبت‌هایی و شدایدی که با آن‌ها روبرو می‌گردد به یاد آن دورنما آرام بگیرد (همان). خبر غیبی افق آینده را چنان روشن نشان می‌داد که علامه فضل‌الله می‌فرماید: این خواب برای حضرت یوسف (ع) دور نمایی را ترسیم می‌کرد که حضرت یعقوب (ع) در سیمای او شخص عظیم را از نظر مکان و منزلت مشاهده کرد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹:

تعیین چشم‌انداز رسالت و نبوت بر اساس خبر غیبی

به‌زعم طراحان برنامه‌ریزی راهبردی: تعیین چشم‌انداز، توجهی روشن و مشخص و قابل دفاع از مسئولیت‌های سازمان و امکان موفقیت سازمان بر اساس تصویر روشن از آینده محتمل‌تر خواهد شد، از طرفی توافق در مورد آینده سازمان، همه نیروهای مجموعه را همسو و هم‌جهت می‌سازد و آرمان مشترکی را بین اعضای آن مجموعه به وجود می‌آورد (حسن، بیگی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). بر اساس خبر غیبی آیه ۶ سوره یوسف، خبر غیبی (یجتیک) از رسالت و نبوت چشم‌انداز زعامت و رهبری جامعه بشری را برای حضرت یوسف (ع) ترسیم می‌کرد، روشنی چشم‌انداز بود که مسیر حرکت را برای آن حضرت هموارتر می‌کرد و گام‌های آغازین برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی نبوت را با استواری تمام با نهادینه کردن فرهنگ صبر و استقامت در برابر مشکلات بر اساس دور نمایی که خبر غیبی برایش ترسیم کرده بود، در خود و اطرافیانش پرورش می‌داد.

چشم‌اندازی که در آن قرار است یوسف مانند ستاره بدرخشد «وَأَيُّمُ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ» (یوسف / ۶). علامه طباطبائی می‌فرماید: بدین معنی است خداوند نعمت‌هایی برای شما عطا کرده که با داشتن آن در زندگی سعادت‌مند شوید، ولی این نعمت‌ها را در حق تو و خاندان یعقوب - که یعقوب به شمول همسرش و باقی فرزندان وی - کامل کرده است... این‌که یوسف (ع) در این خطاب اصل و آل یعقوب معطوف به او این‌چنین مورد خطاب قرار گرفته «عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ» به جهت مطابقت با خوابی است که خود را مورد سجده یعقوب و آل یعقوب دیده بود، بدین‌سان با دادن حکمت، نبوت، ملک، عزت و قرار دادن وی در زمره مخلصین، نعمت‌هایش را بر شخص یوسف تمام کرد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۱۱۱).

تعیین اهداف بلندمدت و کوتاهمدت بر اساس اخبار غیبی

تعیین هدف بنیادی حضرت یوسف: تعیین هدف بنیادی بلندمدت که قرار است برنامه‌ریزی راهبردی بدان دست یابد نیز مبتنی بر آینده‌نگری است، چون هدف در سازمان‌ها بیانگر نوع محصول یا خدمت اصلی، بازارها یا گروه‌های مصرف‌کننده موردنظر، فناوری مورد استفاده در تولید یا تحویل محصول و... است. (پیرز، رابینسون، ۱۳۸۳: ۳۶).

همان‌گونه که قبلاً گفته شد از نظر دانشی پیش‌بینی بر مبنای احتمالات صرفاً حدس و گمان‌هایی از آینده است که طبعی نمی‌تواند هدف بنیادی را به‌درستی تشخیص دهد، لذا تعیین در برنامه‌ریزی راهبردی تعیین هدف یک تعیین هدف ناقص خواهد بود.

درحالی‌که در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی حضرت یوسف، پیش‌بینی از آینده بر مبنای اخبار غیبی قطعی است، از این‌رو تعیین هدف بنیادی نیز دارای قطعیت و جزمیت خواهد بود چنانکه گفته شد، بر اساس آیه ۶ این سوره طبق خبر غیبی که یوسف داده شد «وَيْتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ...» (یوسف/۶)، علم به اتمام نعمت در حق آل یعقوب پیدا کرده بود که خود در مرکز این اتمام نعمت قرار گرفته بود، بر اساس خبر غیبی که دریافت کرده بود این نعمت در امتداد نعمتی بود که خداوند بر ابراهیم و اسحاق ارزانی داشته بود، آن حضرت از طریق اخبار غیبی به نبوت برمدار توحید علم پیدا کرده بود، لذا تعیین هدف بنیادی حضرت یوسف که توحید و دوری از شرک است بر اساس آن خبر غیبی که بوی داده شده بود صورت گرفت؛ بر اساس آن پیش‌بینی غیبی اولین بار به‌صورت رسمی هدف بنیادی‌اش را این‌گونه بیان کرد: «وَأَتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ» (یوسف، ۳۸)، پیرو دین اجدادم ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستم سزاواری ما خاندان نیست چیزی را شریک خداوند قرار بدهیم هدف نهایی از رسالت چشم‌اندازی روشنی

است که توسط انبیایی پیشین ترسیم شده است، و آن «ملتی دارای توحید خالصی است که هیچ وقت برای خداوند شریک قرار نداده‌اند، هدایت به سمت توحید فضل و رحمتی از طرف خداوند برایشان بوده است»، (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۹۸۹). یوسف هدف بنیادی‌اش را با تمام قاطعیت این گونه تبیین کرد: «...إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...» (یوسف/۴۰)، جز حکم خداوند حکمی نیست، به فرمان او که جز او را نپرستید، که این دینی مستحکم و راست است. بر اساس این آیات هدف نهایی آن حضرت یکتاپرستی و پیاده کردن دین و حکم خدا در روی زمین است.

هدف راهبردی فرهنگی از چنان جامعیتی برخوردار است که تمام مسائل فرهنگی جامعه را تحت پوشش قرار می‌دهد، رسیدن به آن هدف باعث اصلاح و رشد فرهنگی عمومی می‌گردد، چنانکه بعضی از مفسرین در ذیل این آیه گفته‌اند: «عبادت خدای متعال شامل شعائر (اعمال دینی) است که دل‌ها و مشاعر انسان‌ها را اصلاح می‌کند و این موجب اصلاح زندگی واقعی اجتماعی خواهد شد، در غیر این صورت عبادت خدای متعال سودی به حال بندگان نخواهد داشت» (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۶۹۹۰). عبودیت خدای یکتا باید به گونه‌ای باشد که بر تمام لایه‌های فرهنگی جامعه تأثیر بگذارد و تمام خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی با تراز فرهنگ راهبردی یعنی عبودیت تنظیم گردد.

تعیین اهداف کوتاه‌مدت حضرت یوسف (ع) بر اساس اخبار غیبی

مهم‌ترین فاکتور در تعیین اهداف کوتاه‌مدت هم‌راستا بودنشان باهدف بنیادی است، بدین معنا که اهداف خرد باید در راستای نیل به هدف کلان و برای رسیدن به آن طراحی شده باشد، حضرت یوسف (ع) بر اساس خبر غیبی که مأموریت تشکیل جامعه توحیدی را پیدا کرده، بر این اساس اهداف کوتاه‌مدتی را برای دستیابی به هدف بنیادی و

تشکیل جامعه توحیدی طراحی نمود که در اینجا به مهم‌ترین اهداف کوتاه‌مدت آن حضرت بر اساس آیات این سوره اشاره می‌گردد:

تربیت نیروی انسانی بر اساس اخبار غیبی:

در سیره رفتاری حضرت یوسف (ع) از آیات متعدد قابل‌استفاده است؛ آنچه در تربیت نیروی انسانی حائز اهمیت است تأثیرپذیری جامعه هدف است که بر اساس گزارش‌ها قرآنی افرادی متعددی از عزیز مصر همسرش، زندانی‌ها گرفته تا پادشاه مصر تحت تأثیر و تربیت او قرار گرفتند که صرفاً به یک نمونه که آن حضرت با استفاده از خبر غیبی نسبت به آینده دو جوان هم‌سلولی به تربیت آن دو می‌پردازد: «یا صاحِبِ السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف/۳۹)، ای دو زندانی، آیا خدایان متعدد بهتر است یا الله آن خداوند یکتای غالب بر همگان؟

تربیت نیروی انسانی از طریق تغییر در مفروضات فرهنگی شروع می‌شود، به تعبیر ادگار شاین بنیادی‌ترین لایه‌های فرهنگی یعنی مفروضات فرهنگی‌شان را مورد سؤال منطقی قرار می‌دهد، در مقام مقایسه بین مفروضات فرهنگی برتری مفروضات فرهنگی خویش را به اثبات می‌رساند: «با ایجاد تردید در انتخاب بین دو شیء، فعل، مال، خانه، انسان، رأی و الهه بر اساس واژه (خیر)، برتری و مطلوبیت یکی اثبات می‌شود» (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۱/۱۷۵).

تعریف چشم‌انداز اقتصادی:

بر اساس خبری غیبی که از طریق تعبیر خواب دریافت کرد، آن حضرت چشم‌انداز اقتصادی چهارده پانزده‌ساله را در راستای تحقق هدف راهبردی فرهنگی‌اش تعریف کرد، زیرا پیروزی این راهبرد اقتصادی موجب دستیابی به هدف جامع توحیدی است، گفت: هفت سال پشت سرهم بکارید و هر چه برداشت می‌کنید، جز اندکی که مصرف می‌کنید،

در خوشه ذخیره کنید که پس از آن هفت سال سخت می آید، آنچه برایشان ذخیره کرده اید در آن هفت سال مصرف کنند، جز اندکی که (برای بذر) نگه می دارید، پس از آن سالی که برای مردمان پرباران باشد و فریادها شنیده شود، فرامی رسد. (یوسف / ۴۷-۴۹)

برنامه ریزی راهبردی اقتصادی در دل برنامه ریزی راهبردی فرهنگی کلان تری قرار دارد، تأمین نیازهای اقتصادی جامعه یکی از گام های دستیابی به هدف راهبردی فرهنگی بشمار می رود که خود این برنامه ریزی اقتصادی چندین هدف گذاری های کوتاه مدت را در درونش جای داده است، از جمله کشت، پی در پی، نحوه نگهداری و ذخیره سازی گندم در زمان فراوانی، برنامه ریزی گذار از وضع خشک سالی و نحوه مصرف اندوخته ها و ذخیره سازی بذر برای زمان پس از پایان خشک سالی همه و همه اهداف کوتاه مدتی است که برای دستیابی به هدف راهبردی فرهنگی در نظر گرفته شده است. (رک، بغدادی، ۱۴۱۵: ۲ / ۵۳۲)

تثبیت اهداف فرهنگی کوتاه مدت:

اثبات، عینیت و عملیاتی شدن برنامه های کوتاه مدت ضمن اینکه مسیر رسیدن به هدف جامع را آسان می کند، عینیتی از هدف نهایی است، یکی از ویژگی های برنامه ریزی راهبردی فرهنگی حضرت یوسف تثبیت اهداف فرهنگی کوتاه مدت است که نمونه های از آن در سوره یوسف (ع)، انعکاس پیدا کرده است، به عنوان نمونه صداقت، امانت داری علم و حکمت از نمونه های اهداف فرهنگی است که در فرایند دستیابی به هدف راهبردی عملیاتی و تثبیت شده است چنانکه در مورد تثبیت فرهنگ صداقت و راستی توسط آن حضرت مفسرین گفته اند: زنان مصر گفتند: (صدیق) او را صدیق خواند زیرا هیچ وقت دروغی را در مورد او تجربه نکرده بود، صدیق به کسی که کثیر الصدق بوده هیچ وقت دروغ نگفته باشد، (همان). گفته می شود «وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ» (یوسف / ۵۱) تثبیت سایر اهداف میان مدت مانند امانت داری، دوری از خیانت و علم و حکمت نیز بر همین منوال

بوده است، با استفاده از اخبار غیبی و تعبیر خواب پادشاه، برای تثبیت فرهنگ امانت‌داری، خیانت نکردن، صداقت و محافظت از دارای‌های مردم استفاده کرد: «ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ» (یوسف، ۵۲)، این از باب تأکید امانت‌داری آن حضرت است و اینکه اگر خیانت‌کار بودی خداوند او را در برابر کید و نقش زنان مصر هدایت نمی‌کرد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۷۹). با استفاده از اخبار غیبی هم فرهنگ صداقت را رواج داد که به آن حضرت گفته شد: ای راست‌گوی! هم فرهنگ صداقت و امانت‌داری را به‌عنوان اهداف کوتاه‌مدت تثبیت کرد، چون فرمود: «لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ» و به اعتراف زنان مصر «وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ»، این به معنای نهادینه کردن فرهنگ صداقت و امانت‌داری در جامعه است که از سوی جامعه هدف مورد تأیید قرار گرفته است.

تبدیل ضعف‌ها به قوت‌ها و تهدیدها به فرصت‌ها بر اساس اخبار غیبی

از نقش‌های اساسی آینده‌نگری چیرگی بر ضعف‌ها، تهدیدها و بهره‌مندی از قوت‌ها و فرصت‌ها است که از رصد دقیق محیط داخلی و خارجی به دست می‌آید، شناخت وضعیت موجود و آینده محیط داخلی و خارجی که به شناخت و مدیریت ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت کمک می‌کند، نیازمند اشراف اطلاعاتی است که از آن تحت عنوان پیش‌بینی محیطی یاد می‌گردد، پیرز در این باره می‌گوید: پیش‌بینی دقیق تغییر عناصر محیطی در فرایند مدیریت راهبردی بسیار ضروری است و مدیران راهبردی باید مهارتشان را در این حوزه توسعه دهند تا قادر به شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا تهدیدات آینده باشند. (پیرز، ۱۳۸۳: ۱۲۳). پیش‌بینی در دانش بشری از طریق تکنیک‌ها و تجربیات قبلی انجام می‌گیرد که هیچ قطعیتی ندارد، در سیره حضرت یوسف (ع)، نقش اصلی را در پیش‌بینی تغییرات محیطی اخبار غیبی بازی می‌کند، لذا آن حضرت با تحلیل محیطی قطعی روبرو است.

مدیریت ضعف‌ها با توجه به قوت‌ها:

ضعف ایمان برادران، ترس از زندان، ترس از خیانت، غلبه هواهای نفسانی، مجازات برادران خطاکار و... ضعف‌های درونی است که آن حضرت تمام این ضعف‌های مدیریت نموده در راستای هدف راهبردی فرهنگی بکار می‌گیرد، با توجه شواهدی موجود صرفاً به یک نمونه مدیریت ضعف هواهای نفس، اشاره می‌شود: زنی که یوسف در خانه‌اش بود، در پی هوای نفسانی خود یوسف را فراخواند، درها را بست و گفت: در اختیار تو هستم، گفت: به خدا پناه می‌برم، او ولی و پرورش دهنده‌ام است، جایگاه نیکو به من داده، بدون شک ستمکاران رستگار نمی‌شوند. (یوسف، ۲۳). بر اساس علم غیبی از سوء عاقبت گفت: «أَنْتَ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»، مهارت مدیریت ضعف هواهای نفسانی را در پرتو اتکا به قدرت فرهنگ بنیادی و پناه بردن به خداوند، نشان می‌دهد: معنایش این است «أَيُّ أَعْتَصِمُ بِاللَّهِ وَاسْتَجِيرُ بِهِ مِمَّا دَعَوْتَنِي إِلَيْهِ وَتَقْدِيرَهُ عِيَاذًا بِاللَّهِ»، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۴). این نشان می‌دهد که ضعف‌های ترس از تنهایی، چیرگی هوای نفسانی، خیانت و تهدید به مجازات ضعف‌های هستند که تنها با اتکا خالق هستی قابل درمان و مدیریت است و حضرت یوسف (ع) این ضعف‌ها را با تقویت تنها نقطه قوت زندگی‌اش یعنی ارتباط با خداوند مدیریت می‌کرد و همواره ضعف‌ها را در پرتو استفاده بهینه از قوت‌ها به بهترین وجه مدیریت می‌کرد چنانکه ضعف خیانت و پرهیز از دام‌های زنان، و ترس از تهدید، و تنهایی زندان را با نقطه قوت ارتباط با خداوند جبران کرد و از خداوند چنین درخواست نموده: «رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ» (یوسف/۳۳).

استفاده از فرصت‌ها:

در استراتژی فرهنگی حضرت یوسف بهره‌گیری از فرصت‌ها برای تحقق هدف بنیادی به‌خوبی مشاهده می‌شود که به یک نمونه ذیلاً اشاره می‌شود، وقتی ساقی پادشاه

مصر خواست یوسف (ع) را نزد پادشاه ببرد در اینجا آن حضرت از فرصت استفاده نموده تمام توطئه‌های را که مدت‌ها علیه آن حضرت انجام شده بود را نقش بر آب کرد: شاه گفت: او را نزد من بیاورید. وقتی فرستاده شاه پیش یوسف آمد، یوسف به وی گفت به نزد شاه برگرد از وی در مورد اینکه تمام زنان مصری دست خود بریدند سؤال کن؟ قطعاً خدای من از فریبکاری آنان آگاه است. (یوسف / ۵۰). آن حضرت آن‌چنان تحت تربیت ربانی است که با آرامش و اطمینانی که در قلبش حاکم بود، (برای رهایی از زندان) عجله نکرد. (سید قطب، ۴/ ۱۹۹۴). از فرصت ابراز نیاز پادشاه حضرت یوسف (ع) صرفاً برای تبرئه خودش استفاده نکرد، بلکه امین و معتمد پادشاه شدن که دست آورد استفاده از این فرصت بود، راه فرصت دوم را برای آن حضرت فراهم کرد که آن مقام صدارت مصر بود، بر اساس آیه ۵۴ وقتی بی‌گناهی و امانت داری یوسف (ع) اثبات شد، پادشاه او را امین یافت گفت: او را پیشم بیارید تا هم‌نشین خاص خویش نمایم، وقتی با او هم‌صحبت گردید، گفت: از امروز نزد ما صاحب جایگاه رفیع و دارای مقام امانت هستی. آن حضرت از این فرصت برای دستیابی به هدف اساسی که دارد استفاده می‌کند «قَالَ اجْعَلْنِي عَلِي خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/ ۵۵)، گفت: مرا بر خزاین این سرزمین بگمار که من نگهدارنده دانایم. (یوسف/ ۵۵). با به دست گرفتن اداره مالی و تبعیض اقتصادی در جایگاه حساس و بزرگی قرار گرفت طوری که در پرتو این جایگاه هدفش را با اقامه عدل و رسیدگی به امور مستضعفان تحقق بخشید. (فضل‌الله، ۱۳۱۹: ۱۲/ ۲۳۰).

تبدیل تهدید به فرصت:

تبدیل تهدیدها به فرصت در سیره حضرت یوسف در موارد متعدد دیده می‌شود، مانند تهدید به خیانت، تهدید به زندان، تهدید شرایط قحطی و خشک‌سالی، حضرت یوسف تمام این تهدیدها را به فرصت‌های طلائی تبدیل نمودند همان‌گونه که تهدید

خیانت و تهمت را به فرصت امانت‌داری، عفت و پاک‌دامنی مبدل نمود، تهدید به زندان را به فرصت هدایت و تربیت نیروی انسانی و نفوذ در قصر پادشاه مصر تبدیل کرد و یا از تهدید خشک‌سالی برای رشد فرهنگ توحیدی استفاده کرد و از بدترین شرایطی به وجود آمده برای برنامه‌ریزی بنیادی‌اش بهترین بهره برادری کرد.

دوتا تهدید برای حضرت یوسف (ع) در یک آیه بیان شده است: گفت: این همان است که مرا درباره‌اش مورد ملامت قرار می‌دادید، در پی مراوده با او بودم، او خودش را از من حفظ کرد، اگر از فرمانم سرباز زند قطعاً به زندانش خواهم انداخت تا تن به خواری و ذلت ده. (یوسف / ۳۲) یکی از تهدیدها که از زبان همسر عزیز مصریان شده است، تهدید به پرده‌داری و خیانت است علامه طباطبائی می‌فرماید: در جمع‌زنان مصر اعتراف به مراوده با آن حضرت کرد ولی او عفت و خود نگهداری برگزید. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۱۵۱)

تهدید به خیانت با توجه شرایط محیطی که توسط زلیخا فراهم شده بود، تهدید جدی و حساب‌شده‌ای بوده است که مقاومت در برابر آن از هرکسی ساخته نبوده و نیست ولی حضرت یوسف (ع) از این تهدید به‌عنوان فرصت استفاده می‌کند هم خویش را از زندان هوا و هوس نجات می‌دهد و هم رسیدن به هدف والای فرهنگی را از طریق تقابل فرهنگ خیانت و فرهنگ و عفت پی می‌گیرد و مهارت استفاده از تهدید را به‌عنوان بهترین فرصت به نمایش می‌گذارد.

تهدید دیگری که بازهم در همین آیه بیان شده است تهدید به زندان و دربند کشیدن است که به‌صراحت از طرف همسر عزیز مصر بیان شده است: «لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمْرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُوناً مِنَ الصَّاغِرِينَ» (یوسف / ۳۲) تهدید به زندان خواری و خفت که نتیجه‌اش خواری و خفت است. حضرت یوسف (ع) بر اساس مهارت مدیریتی بالای که دارد از

یک تهدید فرصت‌های متعددی را به نمایش گذاشت از جمله، رهایی از دسیسه‌های زنان مصر، تربیت زندانی‌ها و از زندان برای رسیدن به مقام صدارت مصر و تثبیت فرهنگ امانت، صداقت، عفت درستی و پاکی به بهترین وجه ممکن بهره برد چون آزادی از زندان را منوط به جواب یک سؤال اساسی کرد: «وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ فَسَأَلَهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ» (یوسف / ۳۱). جواب آن سؤال افکار عمومی را که علیه یوسف (ع)، بود به نفع آن حضرت رقم می‌زد، جواب آن سؤال بازخواستی بود که تمام تلاش‌های گذشته آن حضرت را برای نیل به هدف راهبردی فرهنگی احیاء می‌کرد و درواقع زدن چند نشان پایک تیر بود که این کار را به شایستگی انجام داد و از تهدید زندان صداقت، امانت‌داری، هنر محافظت، علم و درایتش را به اثبات رساند، این اهداف کوتاه اساسی‌ترین برنامه‌های کوتاه‌مدت در راستای نیل به هدف راهبردی آن حضرت بود که آن حضرت در سایه تهدید زندان همه را زنده کرد و درواقع زندان صرفاً رهایی یوسف (ع) از چنگ زلیخا نبود بلکه تیر خلاصی بر پیروزی فرهنگ ایمان به خالق یکتا در برابر فرهنگ شرک و الهه‌های متعدد بود اثبات فرهنگ صداقت، امانت، محافظت، علم و درایت در مقابل فرهنگ دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، خیانت، جادوگری و فریبکاری بود که حضرت یوسف (ع) بر اساس برنامه راهبردی فرهنگی بدان دست‌یافت و فرهنگ ایمان به خداوند یکتا را بر فرهنگ شرک و بت‌پرستی به اثبات رساند.

نقش علم غیب و اخبار غیبی اعم از پیش‌بینی چشم‌انداز رسالت، علم به حدود و مقررات الهی و آنچه از طریق تعبیر خواب دیگران نصیب آن حضرت می‌گردید در مهار تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها در زندگانی آن حضرت به‌وضوح مشاهده قابل‌مشاهده است.

نتیجه

نقش اخبار غیبی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی حضرت یوسف (ع) بر اساس بررسی سوره مبارکه یوسف به صورت مقایسه با گزاره‌ها دانشی برنامه‌ریزی استراتژیک انجام گرفت، نتایج به دست آمده عبارت‌اند از:

۱. آینده‌پژوهی از نظر دانشی به منزله رصد محیطی از آینده و بستر ساخت آینده به شمار می‌رود که آینده احتمالی و ممکن را رقم زده است که این امر به معنای ابتدای برنامه‌ریزی راهبردی بر آینده‌ای فاقد قطعیت است.

۲. رویکرد برنامه‌های استراتژیک دانشی به سیاست و به‌ویژه به مسائل اقتصادی باعث برنامه‌ریزی‌های موازی و غیر بنیادی شده است.

۳. در برنامه‌ریزی حضرت یوسف (ع)، برنامه‌ریزی راهبردی به موضوعات اساسی چون فرهنگ به جهت بستر بودن آن برای سایر موضوعاتی چون سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی اختصاص یافته است.

۴. آینده‌نگری و پیش‌بینی آینده به‌عنوان نیاز اساسی و زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی راهبردی مورد توجه قرار گرفته است، بدین جهت نقش اخبار غیبی برای پیش‌بینی قطعی از آینده در مراحل مختلف برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی حضرت یوسف (ع) یعنی تعیین رسالت، تعیین چشم‌انداز، تعیین هدف بنیادی و اهداف خرد و شناخت دقیق محیطی و تبدیل ضعف‌ها به قوت‌ها، تهدیدها به فرصت‌ها مستند به آیات و دیدگاه‌های مفسرین به اثبات رسیده است.

منابع

قرآن کریم.

- ۱) ابن جوزی ابوالفرج، عبدالرحمان، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
- ۲) ابی ابن حاتم، عبدالرحمان، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
- ۳) بارکر، جوئل آرتور، «هنرکسب آینده: تشخیص الگوهای جدید»، ترجمه نغمه خادم‌باشی، تهران، انستیتو ایز ایران، ۱۳۸۷ ش.
- ۴) بالادستان، محمدامین، ویژگی‌ها و خاستگاه اساسی فرهنگ، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، پایان‌نامه، ۱۳۸۰ ش.
- ۵) پیرز، جان ای، رابینسون، ریچارد بی، مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل)، ترجمه سید محمود حسینی، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
- ۶) حسن بیگی، ابراهیم، مدیریت راهبردی، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
- ۷) رضایی، علی‌اکبر، محمدعلی، زهره‌ای، ابتکار عمل در برنامه‌ریزی و ارزیابی عملکرد فرهنگی، تهران، نشر یادآوران، ۱۳۹۰ ش.
- ۸) رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
- ۹) رضوانی، حمیدرضا، برنامه‌ریزی استراتژیک کاربردی، تهران، مهربان نشر، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۰) زحلی، وهبه ابن مصطفی، تفسیر الوسیط، سوریه، دمشق، ناشر: دارالفکر، ۱۴۲۲ ق.

- (۱۱) زمخشری، محمود، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- (۱۲) سبزواری، سید عبد الاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه اهل البیت (ع) - بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- (۱۳) سبزواری، محمد ابن حبیب الله، ارشاد الاذهان الی تفسر القرآن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
- (۱۴) طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- (۱۵) طبرسی، فضل ابن حسن، تفسیر جمع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
- (۱۶) طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
- (۱۷) طبری، ابن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- (۱۸) فرد. آر، دیوید، مدیریت استراتژیک، ترجمه، اعرابی، تقی زاده مطلق، سید محمد، محمد، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
- (۱۹) فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
- (۲۰) قدیری، روح الله، «شناسایی و دسته بندی متغیرهای مرتبط با آینده نگاری علم و تکنولوژی» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴ ش.

- ۲۱) قطب، سید ابن قطب ابن ابراهیم، فی ظلال القرآن، قاهره، انتشارات دارالشرق، ۱۴۱۲ ش.
- ۲۲) لطیفی، غلامرضا، سنایی، علی، برنامه‌ریزی استراتژیک مدیریت شهری، تهران، نشر علم، ۱۳۹۵ ش.
- ۲۳) مبینی دهکردی، علی، مبانی دانش محیط‌شناسی راهبردی، تهران، انتشارات صفار، ۱۳۹۳ ش.
- ۲۴) مبینی دهکردی، طراحی الگو و راهبرد مرزشکنی دانش، گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی، تهران، انتشارات عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۵) موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۶) موسایی، میثم، دین توسعه و فرهنگ، تهران جامعه شناسان، ۱۳۹۰ ش.
- ۲۷) Altiook, P. Applicable vision, mission and the effects of strategic management on crisis resolve, Procedia – Social and Behavioral Science, Vol. ۲۰۱۱
- ۲۸) Mintzberg, H. & J. Lampel, Reflecting on the Strategy Process”, Sloan Management Review, Vol. ۱۹۹۹
- ۲۹) Twiss, B.c, forecasting for Technologist and engineers, a practical guide for better dicitions", peter peregrinus, London. united kingdom ۱۹۹۲